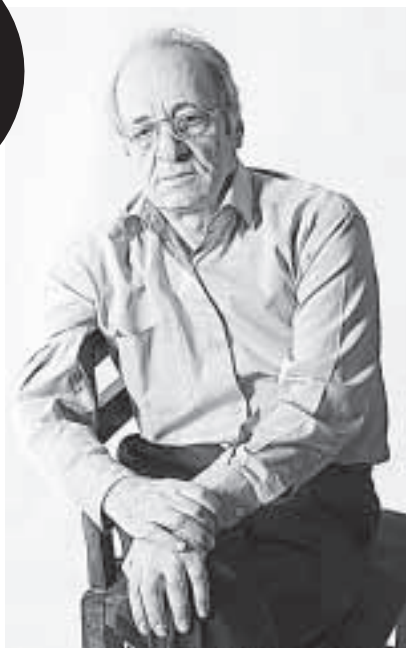


قانون اساسی چیست؟

سیروس غفاریان



اشاره

این مطلب به مناسبت سالروز تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۹، و به منظور آگاهی بخشی به خوانندگان محترم، به سفارش دفتر مجله تهیه شده است. رشد



تصویر قسمت بالای لوح حمورابی

مجله ۲۰
شماره سوم - آذر ۱۳۸۹

شرق باستان یا بین‌النهرین را خاستگاه قانون و دستگاه‌های قانون‌گذاری می‌دانند که اشاره‌ای به قوانین حمورابی دارد. هجده قرن قبل از میلاد مسیح، حمورابی، امپراتور بابل، مجموعه قوانینی را تحت عنوان «کد حمورابی» روی لوحه‌هایی حکاکی نمود که تنظیم‌کننده‌ی رابطه‌ی مردم با یکدیگر از یک طرف و حاکم بر روابط پادشاه بابل با مردم، از طرف دیگر بود. این مجموعه خود برگرفته از پاره‌ای قوانین سومر و اکد و حتی از آن‌ها مترقی‌تر بود.

ویسل دورانت مورخ آمریکایی، در کتاب «مشرق زمین گاهواره‌ی تمدن» می‌نویسد که قوانین حمورابی از قوانین رومیان و ژول سزار مترقی‌تر جلوه می‌کند. می‌توان گفت، ده فرمان نیز که در کوه طور بر حضرت موسی (ع) از جانب خداوند نازل شد و در عهد عتیق آمده و به عنوان قوانین الهی شناخته شده است، به نوعی قانون اساسی و حاکم بر روابط اجتماعی مردم در آن زمان بوده است.

قانون اساسی در یونان باستان و ایران هخامنشی

در یونان باستان هر دولت‌شهر برای خود قانون اساسی جداگانه‌ای داشت. مهم‌ترین دولت‌شهرها عبارت بودند از آتن و اسپارت. بعد از مرگ کدروس آخرین پادشاه دیکتاتور یونان، دراگون حاکم شد که قانون اساسی سخت‌گیرانه‌ای در رابطه‌ی مردم با دولت وضع کرد. بعد از او نیز، در ۵۹۴ قبل از میلاد، سولون دیگر قانون‌گذار و فرمان‌روای آتن، یک قانون اساسی به نام قانون اساسی سولونی که پایه و اساس حکومت دمکراسی در یونان بود، ایجاد کرد که در تاریخ علم حقوق به همین نام مشهور شده است. بر طبق قانون اساسی سولون، فقرا از دادن مالیات و انجام خدمت نظام معاف بودند و مجلسی به نام بوله رابطه‌ی بین حاکمیت و مردم آتن را تنظیم می‌کرد.

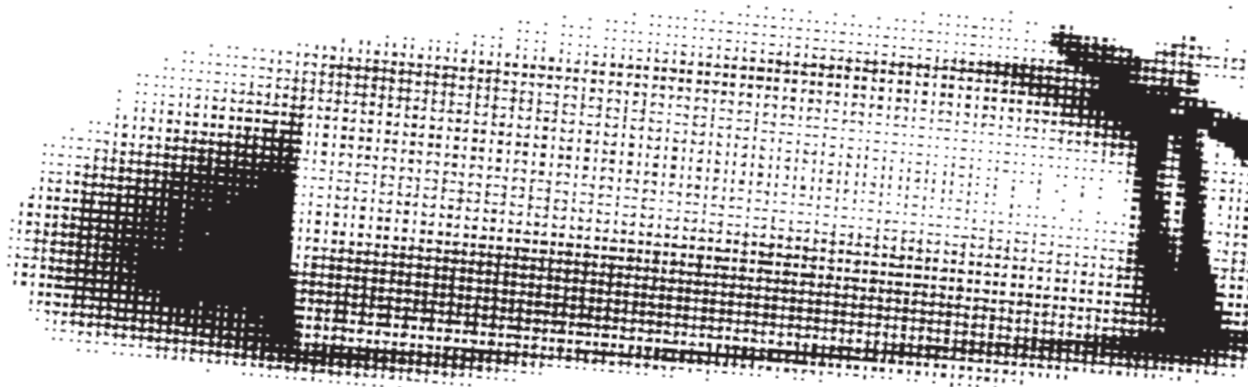
برای قانون اساسی که پایه و اساس تشکیلات هر رژیم یا حکومتی را معین می‌کند، تعاریف زیادی ارائه شده است؛ از جمله در ترمینولوژی حقوقی (فرهنگ حقوقی) نوشته‌ی دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، قانون اساسی چنین تعریف شده است: قانون اساسی، قانونی است که تشکیلات و روابط قدرت‌های عمومی و اصول مهم حقوق عمومی یک کشور را متضمن است. ولی فرهنگ لاروس قرن بیستم، تعریف جامع‌تری به این شرح می‌آورد: «قانون اساسی، شیوه‌ی اعمال حاکمیت و شکل حکومت و رژیم سیاسی، اختیارات و عملکرد قدرت‌های مربوط به دولت، حقوق مهم و اساسی مردم و بالاخره مشارکت شهروندان در اعمال قدرت را، از طریق حق رأی یا گزینش آزادانه‌ی نمایندگان، معین می‌دارد. قانون اساسی به عنوان یک پدیده، از هنگامی که قدرت منبعث از ملت - و نه از شاهزادگان یا مرجعی خاص - تلقی گردید، پدیدار گشت و با پیدایی آن، رؤسا و پادشاهان نه به عنوان «مالکان قدرت»، بلکه به منزله‌ی حاکمانی که دقیقاً قدرت خود را از قانون اساسی احراز می‌کنند و همین قانون اساسی نیز صلاحیت آنان را برای اعمال قدرت تأیید کرده است، شناخته خواهد شد. [بیرو، ۱۳۶۶]»

با توجه به تعریف آلن بیرو می‌توان ادعا کرد که اولین قانون اساسی واقعی درجهان، بعد از انقلاب فرانسه و سقوط رژیم سلطنتی در ۱۷۸۹ پدید آمد و از آن زمان بود که قدرت دولت‌ها از ملت‌ها ناشی شد.

سیر تاریخی قانون اساسی از قدیم‌ترین زمان

تاکنون

مورخان، اکثراً مبدأ و منشأ فلسفه‌های اجتماعی و قوانین مدون را یونان و سپس روم باستان می‌دانند. عده‌ای نیز



به دموکراسی، در ۵۱۰ ق م تارکین متکبر را از سلطنت خلع و حکومت را جمهوری اعلام کردند. رومیان نیز، مانند مردم آتن، به دو طبقه‌ی اشراف (پاتریسین) و عوام (پلبین) تقسیم می‌شدند. آن‌ها نیز مانند آتنی‌ها برای غلامان و بردگان حقوقی قائل نبودند و غیر رومی‌ها را وحشی و بربر می‌خواندند. الواح دوازده‌گانه کامل‌ترین قانون اساسی رومیان در آن دوره (قرن پنجم ق م) بود. بر طبق این قانون اساسی، **مجلس سنا** اداره‌کننده‌ی واقعی کشور بود و از ۳۰۰ سناتور تشکیل می‌شد. این مجلس به جای پادشاه دو نفر **کنسول** را به عنوان عالی‌ترین مقام نظامی و اجرایی برای اداره‌ی کشور و جنگ با خارجیان انتخاب می‌کرد. کنسول‌ها حق داشتند، طبق قانون اساسی، پاره‌ای از قوانین مصوب را وتو کنند. در مجلس سنا عده‌ای از طبقه‌ی عامه نیز که **شهروند روم** بودند، به عنوان «تریبون» حضور داشتند و در تصویب قوانین شرکت می‌کردند. روم به مدت ۴۸۰ سال حکومت جمهوری داشت تا آن که **اگوست** در سال ۳۰ ق م آن را به امپراتوری تبدیل کرد.

اشکانیان و مجلس مهستان

اشکانیان اولین قومی از ایرانیان بودند که به سبب دوست‌داری فرهنگ یونانی یا **فیل هلن** بودن، پارلمانی رسمی به سبک یونان و روم باستان در ایران ایجاد کردند. می‌توان گفت که اولین قدم در راه نفوذ فرهنگ غرب به ایران، در زمان اشکانیان برداشته شد، زیرا اولاً آن‌ها جانشین سلوکیان بودند و ثانیاً هنگام ارتباط با رومیان، در زمان جنگ و صلح به زبان رومی یا یونانی مذاکره می‌کردند. درباره‌ی وجود مجلس مهستان، مورخان رومی، ارنستی و یونانی اتفاق نظر دارند. این پارلمان ایرانی از دو

این دموکراسی، البته شامل حال بردگان و غیر یونانی‌ها که بربر خوانده می‌شدند، نمی‌شد. در حالی که آتن از قانون اساسی مدون بهره‌مند بود.

در ایران هخامنشی، از سنت‌های نیکو و عرف به عنوان تنظیم‌کننده‌ی رابطه‌ی حاکمیت با ملت استفاده می‌شد. بدین منظور مجلسی در حضور پادشاه تشکیل می‌شد که نمایندگان آن، فرستادگان قبایل مختلف پارسی بودند. در این گردهمایی‌ها که در حکم پارلمان دولت هخامنشی بود، از نمایندگان ساتراپ‌های غیر پارسی نیز دعوت به عمل می‌آمد. مردم را به دو گروه ایرانی و غیر ایرانی تقسیم نمی‌کردند و کسی از حقوق مدنی محروم نمی‌شد. حتی در ایران هخامنشی، در زمان داریوش، در ساختن تخت جمشید از معماران آسیای صغیر تا هنرمندان دره‌ی سند و حتی از هنرمندان سامی‌نژاد لبنان (فنیقی) نیز استفاده می‌شد و به همه صرف نظر از نژاد و مذهب و ملیت، به اندازه‌ی کار مساوی، مزد مساوی پرداخت می‌شد. در واقع می‌توان ادعا کرد که ایرانیان باستان، از قانون اساسی غیر مدون بهره‌مند بودند که منشأ آن همان عادات و خصائل و عرف مورد پسند کلیه‌ی اقوامی بود که در محدوده‌ی فلات ایران زندگی می‌کردند.

گذشته از این، می‌دانیم که **کوروش هخامنشی** بعد از آزاد کردن شهر بابل، همه‌ی بردگان را آزاد کرد و اولین اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را در لوحه‌ای که امروز آن را **منشور کوروش** می‌نامند، ثبت کرد که کار او بالاتر از همه‌ی قانون‌های اساسی بود و حقوق بین‌الملل را نیز تنظیم می‌کرد.

روم باستان و قانون اساسی

رومی‌ها که وارث تمدن یونان بودند، برای رسیدن

حمورابی



منتسکیو، نویسنده‌ی کتاب روح القوانین



ساختمان مجلس شورای ملی در میدان بهارستان

مجلس تشکیل می‌شد، یکی مجلس شاهزادگان یا شورای خانوادگی اشکانی و دیگری مجلس سنا (مجلس بزرگان و روحانیون) که سلاطین نواحی خودمختار یا خودشان و یا نمایندگانشان در این مجلس شرکت می‌کردند و به موجب رأی نمایندگان این مجلس، همیشه برادر یا عموی پادشاه متوفی (در صورت نبودن جانشین) به سلطنت انتخاب می‌شد. این مجلس حق داشت در پاره‌ای از موارد، توصیه‌هایی به شاه بنماید؛ بعدها این حق تا آن‌جا بالا رفت که مجلس مهستان، شاهی را از سلطنت خلع می‌کرد و شاهی دیگر را به جای او برمی‌گزید. مصوبات مجلس مهستان در حکم قانون اساسی بود که رابطه‌ی حاکمیت و مردم را تنظیم می‌کرد.

اسلام و قانون اساسی

قرآن کریم را می‌توان، به نحوی، همان قانون اساسی اسلام و مسلمانان دانست. زمانی که **حضرت محمد (ص)** به پیامبری رسید و در مدینه حکومت تشکیل داد، مندرجات این کتاب الهی که دربردارنده‌ی بیشترین قوانین بود، به عنوان منشأ قانون‌گذاری پذیرفته شد. در فقه شیعه، چهار منبع کتاب (قرآن)، سنت، اجماع و عقل، مبنای استخراج قواعد و احکام فقهی و حقوقی است و در جمهوری اسلامی نیز از این منابع برای تدوین قانون اساسی سود جستند.

نظریات منتسکیو درباره‌ی تفکیک سه قوه

در قرون جدید، برای نخستین بار، **منتسکیو** عالم و حقوق‌دان فرانسوی (۱۷۵۵-۱۶۸۹م) در کتاب خود «روح القوانین»، اصل تفکیک سه قوه یعنی قوه‌ی مجریه، قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضاییه را مطرح نمود و تفکیک این سه قوه را نشانه‌ی استحکام حکومت ملی دانست. از آن پس در همه‌ی انقلاب‌های سیاسی که در اروپا و آسیا روی داد، همه خواهان تفکیک این سه قوه از یکدیگر بودند. در ایران نیز، هم در قانون اساسی مشروطیت و هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی، روی تفکیک این سه قوه تأکید شده است.

مشروطه و اولین قانون اساسی ایران

از زمان عباس میرزا نایب‌السلطنه به بعد طبقه‌ی تحصیل کرده بر اثر مسافرت به فرنگ، همواره در بازگشت به وطن، خواهان محو استبداد و ایجاد حکومت قانون و تدوین قانون اساسی بودند.

سرانجام وقتی انقلاب مشروطه به پیروزی رسید، مظفرالدین شاه در حالی که بیمار بود (در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ هـ ق = ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ هجری شمسی = ۵ اوت ۱۹۰۶ میلادی) فرمان مشروطیت را امضا کرد و بلافاصله اولین مجلس مؤسسان برای تدوین قانون اساسی در مدرسه‌ی نظام تشکیل گردید و متن قانون اساسی که منابع آن حقوق اسلامی و پاره‌ای از مقررات موجود در بلژیک و فرانسه بود، آماده شد. آن متن، ابتدا به نام **نظام‌نامه‌ی اساسی** در ۵۱ اصل به امضای شاه رسید و متمم آن نیز

در ۱۰۷ اصل بعد از مرگ شاه به امضای پسر و جانشین او **محمدعلی شاه** رسید. در کلیات اصل دوم متمم قانون اساسی چنین می‌خوانیم که: مجلس مقدس شورای ملی، با توجه و تأیید حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تشکیل شده و لهذا مقرر می‌دارد: «در هر عصری از اعصار، هیئتی را، که کمتر از پنج نفر از مجتهدین و فقهای متدین مطلع از مقتضیات زمان، نباشند، به مجلس شورای ملی معرفی کنند تا از تصویب قوانینی که با دیانت اسلام منافات دارد، جلوگیری به عمل آید». به اولین مجلس شورای ملی که در ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ تشکیل شد، به سبب آن که در حال طرح‌ریزی قانون اساسی انجام شد، مجلس مؤسسان اول نیز گفته‌اند. اصولاً مجلس مؤسسان به مجلسی گفته می‌شود که هدف طرح‌ریزی قانون اساسی و یا تغییر بخشی یا قسمتی یا به طور کلی قانون اساسی را داشته باشد. در نظام جمهوری اسلامی، به جای مجلس مؤسسان، **مجلس خبرگان** وجود دارد.

قانون اساسی در عصر پهلوی

در زمان پهلوی اول و دوم، قانون اساسی مشروطه هم‌چنان برقرار بود، ولی چندین بار مجلس مؤسسان در جهت منافع پادشاه تشکیل شد. از جمله، دومین مجلس مؤسسان که در تکیه‌ی دولت در جنب کاخ گلستان در آذر ۱۳۰۴ تشکیل شد. یک بار دیگر نیز پس از آن که **ناصر فخرآرایی** در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ به **محمد رضا شاه** تیراندازی کرد، آخرین شاه سلسله‌ی پهلوی به فکر ازدیاد قدرت خویش برآمد. او ضمن آن که پاره‌ای از رجال صدر مشروطه را به جلسه‌ای در کاخ مرمر دعوت کرد (در این جلسه وکلای مجلس نیز بودند)، خطاب به آن‌ها گفت: «دولت‌ها را شما می‌آورید و می‌برید، ولی من باید گلوله‌ی آن را بخورم.» او سپس ترتیب تشکیل مجلس مؤسسان سوم را داد که در آن اصل ۴۸ قانون اساسی را به این شرح تغییر دادند: «شاه می‌تواند هر یک از دو مجلس شورای ملی و سنا را جداگانه و یا هر دو را در آن واحد منحل کند.» بعضی از رجال - از جمله **احمد قوام** که فرمان مشروطیت به خط او نوشته شده بود - در این باره به شاه اعلان خطر کردند. قوام از خارج کشور پیام داد که کشور به استبداد کشیده می‌شود؛ ولی دربار توجهی نکرد. به این ترتیب شاهی که طبق قانون اساسی از مسئولیت مبرا بود، خود را مسئول کرد. وی، پس از روی کار آمدن دولت **علی امینی**، مجلس را منحل کرد و کشور مشروطه تا سه سال فاقد مجلس بود. در ۱۶ شهریور ۱۳۴۶ نیز بعد از تیراندازی به شاه در کاخ مرمر، شاه اصل چهار متمم قانون اساسی را به این شرح اصلاح نمود که: چنانچه شاه فوت کند و ولیعهد به سن قانونی نرسیده باشد، **فرح پهلوی** نایب‌السلطنه خواهد بود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) اتفاق افتاد، مردم ایران همگی به جمهوری اسلامی ایران رأی دادند. سپس قانون اساسی



تأیید آن از طرف شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد. شورای نگهبان علاوه بر وظایف فوق، تفسیر قانون اساسی را نیز برعهده دارد و تأیید صلاحیت نامزدهای مقام ریاست جمهوری و نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز با این شورا است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در چهارده فصل و ۱۷۷ اصل به تصویب مجلس خبرگان رسیده است.

زیرنویس

* وقتی از **قانون** و **حقوق** سخن به میان آمد، بهتر است تعاریفی از آن‌ها را پیش‌رو قرار دهیم: **حق**، قدرتی است که از طرف قانون به شخصی داده می‌شود؛ در فقه، در همین معنی، کلمه‌ی سلطه را به کار می‌برند. بر طبق قانون، افراد یا اشخاص حقوقی، مؤسسات، دولت‌ها و رژیم‌های سیاسی صاحب حق می‌شوند تا بدین وسیله نظم اجتماعی برقرار گردد. اما **قانون** عبارت است از دستور کلی و گاهی جزئی که به وسیله‌ی مرجع صالح انشا شده و به وسیله‌ی مجالس قانون‌گذاری تصویب و به توشیح مرجع صلاحیت‌دار می‌رسد.

1. Hammurabi's Code

2. Tribunes

منابع

۱. تاجانی، بهرام. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. انتشارات اندیشه عصر. تهران. ۱۳۸۸.
۲. مصاحب، غلامحسین. مدخل. قانون اساسی مشروطیت مندرج در دایره‌المعارف فارسی مصاحب، جلد دوم.
۳. شمیم، علی‌اصغر. ایران در دوره‌ی سلطنت قاجار. انتشارات علمی. تهران. ۱۳۷۱.
۴. طلوعی، محمود. دانش‌نامه‌ی تاریخ. نشر علم. تهران. ۱۳۸۷. جلد ۳۰۵.
۵. عاقلی، باقر. نخست وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار. انتشارات جاویدان. تهران. ۱۳۷۰.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق. کتابخانه گنج دانش. تهران. ۱۳۷۶.
۷. پستنا، حسن. فرهنگ روابط بین‌الملل. فرهنگ معاصر. تهران. ۱۳۸۴.
۸. علومی، رضا. اصول علوم سیاسی. جلد اول و دوم. امیرکبیر. تهران. ۱۳۴۸.
۹. بیرو، آلن. فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. تهران. کیهان. ۱۳۶۶.



شهید آیت‌الله محمد بهشتی در تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نقش اساسی داشت

جمهوری اسلامی توسط عده‌ای از خبرگان به مسائل دینی و حقوقی نوشته شد و در جلسات متعدد مجلس خبرگان به تصویب رسید.

مقایسه‌ی پاره‌ای از مواد قانون اساسی مشروطیت و جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی وجه تشابهاتی با قانون اساسی مشروطیت دارد. یک تفاوت عمده‌ی آن به تفاوت نظام سیاسی مشروطه‌ی سلطنتی با نظام جمهوری اسلامی باز می‌گردد. در قانون اساسی اخیر، یک مقام رهبری مذهبی به نام ولی فقیه در رأس نظام قرار دارد و تأکید بر اجرای شریعت اسلامی است. اما قانون اساسی جمهوری اسلامی در مواردی که به حقوق مردم مربوط می‌شود، تفاوت زیادی با قانون دوره‌ی مشروطیت ندارد. برای نمونه دو مورد را از مدنظر می‌گذرانیم.

در اصل هشتم متمم قانون اساسی مشروطه آمده است: «اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولت متساوی‌الحقوق خواهند بود.» اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز می‌گوید: «همه‌ی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه‌ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

اصل نهم متمم قانون اساسی مشروطه می‌گوید: «افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی‌توان شد مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین می‌نماید.» اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز همین مضمون را به این صورت بیان می‌کند که: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن، شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

در قانون اساسی جمهوری اسلامی، تشکیل مجمعی دوازده نفره به نام **شورای نگهبان قانون اساسی** با عضویت «شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان» به انتخاب مقام رهبری و شش نفر حقوق‌دان از طرف مجلس شورای اسلامی پیش‌بینی شده است که وظیفه‌ی اصلی آن انطباق مصوبات مجلس شورای اسلامی با موازین اسلام و قانون اساسی است. مصوبات مجلس شورای اسلامی بدون

